

زندگی برای پول یا پول برای زندگی؟



عده زیادی از ما با مشکلات مالی روبه‌رو هستیم. اجاره خانه، خرج دکتر و دارو، مدرسه و ابزار تحصیل فرزندان به اضافه قسط، بدهکاری و دسته زیادی از مشکلات مشخص و اضطراری دیگر وجود دارند که ما در برابرشان مسئولیم. مشکلات مالی ممکن است از پی هم سراغ فرد را بگیرند و او را گرفتار خود کنند، اما راه‌های مشخص و الزام‌آور دارند.

عده زیادی از ما با مشکلات مالی روبه‌رو هستیم. اجاره خانه، خرج دکتر و دارو، مدرسه و ابزار تحصیل فرزندان به اضافه قسط، بدهکاری و دسته زیادی از مشکلات مشخص و اضطراری دیگر وجود دارند که ما در برابرشان مسئولیم. مشکلات مالی ممکن است از بد، هم‌سایغ فرد، انگ‌ده‌ها، گفتا، خد کنند، اما، اه، ح، هاب، مشخص، ه، انام‌آه، دانند. بالاخره کرایه خانه را می‌پردازیم، قسط اتومبیل مان تمام می‌شود، فرزندمان مدرسه را تمام می‌کند و بدهی‌های خود را می‌دهیم. بله، هر کدام از مشکلات مالی راه‌حلی دارند و از همه این راه‌ها مهم‌تر، زمان است. زمان می‌گذرد و با تلاش‌های ما، مشکلات خاک می‌شوند هر چقدر هم که مصیبت بار و غم‌انگیز باشند.

اما مشکلات مشخص مالی تنها بحرانی نیستند که انسان در ارتباط با پول احساس می‌کند. تنش دیگر در این رابطه، نگرانی مالی است. نگرانی مالی با مشکل مالی متفاوت است. ما اغلب دغدغه‌ها و ناراحتی‌هایی که داریم در دسته دوم یعنی نگرانی‌های مالی قرار می‌گیرند. مسأله نگرانی مالی پیچیده است و راه‌حل‌های دورتری دارد. نگرانی مالی شبیه بیماری‌های روحی و روانی است که هم تشخیص‌اش دشوار است و هم راه‌حل‌هایی عینی و در دسترس ندارد.

نمی‌توان دو تا قرص خورد و پس از مدتی نگرانی مالی را حل کرد. شاید به هیچ کس بدهکار نباشیم، بهترین خانه و ماشین را نقدی خریده و فرزندمان را به بهترین مدرسه شهر فرستاده باشیم، اما همچنان نگرانی مالی داشته باشیم. اغلب نگرانی‌های مالی ارتباطی مستقیم و معنادار با مشکلات مالی ندارند. انسان می‌تواند زندگی متوسط و شغلی معمولی داشته باشد که فقط اموراتش را بگذراند، ولی در عین حال نگرانی مالی کمتری نسبت به یک میلیاردر داشته باشد، هر چند همواره میلیاردرها راحت‌تر مشکلات مالی خود را حل می‌کنند.

چرا نگران پول می‌شویم؟

تصور زندگی بدون پول اضطراب‌آور و افسرده‌کننده است. نداشتن پول کافی برای زندگی آبرومند، اولین نگرانی مالی همه انسان‌هاست. زندگی بدون پول تحقیرآمیز، زشت و بدبختی‌زاست. در ضمن گویا هر آنچه مطلوب و دوست‌داشتنی است، فارغ از پول میسر نخواهد شد.

نگرانی دوم این که ما برای زندگی مطلوب به لحاظ مالی مجبور شویم بسیاری از فعالیت‌های مورد علاقه خود را تعطیل کنیم. کسب پول آن قدر وقت انسان را می‌گیرد که عملاً بیشتر از آنچه تصور می‌شود باید کار کرد و دیگر وقتی برای امور معنوی و فرهنگی مورد علاقه باقی نمی‌ماند و انسان کمتر موفق می‌شود روی خود کار کند. همین مسأله تلاش برای پول را به یک تنش درونی و روحی تبدیل می‌کند.

پول به خودی خود نه عامل

بدبختی است و نه عامل

خوشبختی. خوشبختی و

بدبختی حاصل رفتار ما و عواملی

است که برخی از آنها را می

توان با پول در زندگی ایجاد کرد

نگرانی سوم هم این که پول اساساً نسبت به انسان بی‌تفاوت است. پول الزاماً ارتباط مستقیمی با عدالت، شایستگی، تحصیل و... ندارد. این نگرانی اغلب برآمده از نظام‌های اقتصادی معیوب و نوع مواجهه هر فرد با توانایی پول‌سازی خود است. در خیلی از مواقع آدم‌هایی با تحصیلات و توانمندی برابر به لحاظ مالی وضع یکسانی ندارند؛ بنابراین در نظر بیشتر افراد منطق پول بی‌رحم، بی‌تفاوت و غیرقابل فهم می‌نماید.

آنچه پشت این نگرانی‌هاست الزاماً مالی نیست. اگر با دقت به نگرانی‌های مالی خود نگاه کنیم و آنها را روی کاغذ بیاوریم متوجه خواهیم شد نگرانی‌های ما غیرمالی هستند، اما چون همه چیز در زندگی ما با پول ارزشگذاری می‌شود و قیمتش را بازار تعیین می‌کند، ناخودآگاه نگرانی‌های خود را به نگرانی برای پول ترجمه می‌کنیم. پول نوعی ارزشگذاری ساده است. در بازار عرضه و تقاضا هر چیزی قیمتی پیدا می‌کند و این قیمت به منزله ارزشی روشن و قابل محاسبه است. با این اوصاف در وسایلی که روزانه مصرف می‌کنیم آن چیزی که قیمت بالاتری دارد، ارزش بیشتری هم دارد.

جان آرمسترانگ، نویسنده کتاب «چگونه کمتر نگران پول باشیم»* در این مورد از زبان هر یک از ما می‌نویسد: یکی از نگرانی‌هایم این است وقتی فرزندانم بزرگ شوند، به قدر کافی پول نخواهند داشت. از حالا سعی می‌کنم برای آنها پول پس‌انداز کنم تا در آینده از رفاه‌شان مطمئن باشم. اگر هر هفته مقداری پول کنار بگذارم، در 50 سال چقدر می‌توانم برای آنها پول پس‌انداز کنم؟ اما حالا که فکر می‌کنم، نگرانی واقعی من از استقلال فرزندانم و شخصیت نامعلوم آنها در آینده است.

با توجه به این مثال آرمسترانگ روشن است نگرانی من در مورد آینده مالی فرزندم، از اساس یک نگرانی مالی نیست؛

بلکه نگرانی از این نظر است که نمی توانم توانمندی و استقلال این کودکی را که اینک جلوی چشمم چهار دست و پا راه می رود، تصور کنم. مسأله این است که تصور درست و روشنی از بزرگ شدن، تربیت و توانمندی فرزند خود ندارم. پس اینجا شاید لازم باشد به جای نگرانی و کار بیشتر، وقت بیشتری برای ساخته شدن شخصیت مستقل فرزندم بگذارم و نگرانی مالی خود را به او انتقال ندهم. مشکل من بیشتر در رابطه ای مضطرب و تنش آلود با پول است که خود سمی است که اگر به فرزندم هم منتقل شود حتی اگر او را غرق پول کنم، رابطه او را با پول مانند رابطه من تنش آلود می کند و از موفقیت های مالی خود او جلوگیری می کند.

پول دوستی یا دوستی با پول؟
پولدوستی در مجموع در همه فرهنگ ها امری چندان پسندیده نیست. این که انسان زندگی خود را خلاصه در پول کند، به معنای همین پول دوستی است و این به همان اندازه بد است و جلوی پیشرفت را می گیرد که نفرت از پول آسیب زاست.

اساساً با چیزها نمی توان رابطه ای سرشار از عشق و نفرت داشت، چون رابطه با چیزهای بی جان، چه شیء باشند و چه چیزی مانند پول، دوطرفه نیست. بنابراین هر گونه رابطه مبتنی بر عشق و نفرت به منزله این است که تصویری واقعی و درست درباره پول نداریم، اما به این معنا نیست که با پول رابطه نداریم. پول یک امر مهم در کیفیت و ارتقای زندگی ماست. پول سبب می شود چیزهایی را که دوست داریم بخریم، اتومبیلی بخریم که کمتر به طبیعت لطمه می زند، به خیریه ها کمک کنیم و وقتی بیمار شدیم خود را به دست بهترین متخصصان بسپاریم. رابطه با پول، رابطه ای مهم و اساسی است. هر رابطه ای اگر با عقده، کینه، پیشداوری و احساسات منفی همراه باشد، رابطه ای بد خواهد بود. در کنار این احساسات منفی، اگر رابطه با پول مبتنی بر شیفتگی باشد، می تواند انسان را کور و نادان کند. نگرانی مالی با عشق به پول هم برطرف نمی شود، چرا که باید برای آرامش مالی، دیدی باز و مدبرانه نسبت به نقش پول در زندگی داشت و عشق به این ابزار، آن هم یک طرفه جز جنون جمع آوری ثروت چیز دیگری به بار نمی آورد. با این اوصاف دوستی با پول، بهترین نوع رابطه با آن است. پول به خودی خود نه عامل بدبختی است و نه عامل خوشبختی. خوشبختی و بدبختی حاصل رفتار ما و عواملی است که برخی از آنها را می توان با پول در زندگی ایجاد کرد. پس پول یکی از وسایل مهم خوشبختی است که با آن می توان اطمینان بیشتری به زندگی داشت و مشکلات مختلف را راحت تر حل کرد.

چگونه در ارتباط با پول موفق شویم؟
برای تدبیر مالی داشتن باید حقیقت مالی خود را شناسایی کنیم. به این معنا که بدانیم درآمد و پس اندازمان چقدر است، نیازهای ما و هزینه هایی که داریم به چه میزان است، برای ارتقای سطح زندگی، شادی بیشتر و زندگی پربارتر معنوی، به چه میزان پول نیاز داریم و توانمندی هایمان در بالا بردن سطح درآمد چه چیزهایی است. یکی از نکات مهم و مورد توجه آرمسترانگ در تشخیص مسائل مالی، ایجاد نظم مالی در کنار شناخت موقعیت مالی است. پس از پذیرش حقیقت مالی، باید نظم خود را در تشخیص نیازها بالا ببریم. هر خواسته ای که ما داریم، نیاز ما نیست و هر نیازی اولویت نیست. این به آن معنا نیست که باید روی نیازها و خواسته های غیرضروری خود خط بکشیم و قیدشان را بزنیم، بلکه به این معناست که باید با اولویت بندی و نظم، به هر کدام اجازه دهیم در زندگی ما حضوری بموقع داشته باشند و مزاحم یکدیگر نشوند.

نیازهای بالاتر و خواسته های دور، مثل تعویض و ارتقای وسایل منزل، اتومبیل و سفرهای خارجی، به این معناست که باید تلاش خود را بیشتر کنیم نه این که فراموششان کنیم. باید واقعیت مالی را با توجه به این نیازهای ارتقا بخش و لذت آفرین تغییر دهیم. نیازهای اصلی را از نیازهای بالاتر و فرعی تشخیص دهیم و اولویت هایمان را روشن کنیم. نگرانی های مالی ریشه در کودکی و گذشته، تجربیات پدر و مادر و وضع جامعه دارند. همه اینها دست به دست هم می دهند تا یک گرفتاری و دغدغه روانی (و اغلب غیرواقعی) به نام نگرانی مالی در ما ایجاد شود. با واقع بینی و تأمل در باب وضع فعلی مالی و شناخت نیازها و خواسته هایمان (زندگی ایده آل مان) می توانیم نگرانی های مالی خود را تقلیل دهیم و از پول، ابزار و دوستی ای برای زندگی بهتر بسازیم.

علیرضا نراقی
دین و زندگی
پا نوشت:

* جان آرمسترانگ، چگونه کمتر نگران پول باشیم، نشر هنوز، 92